

ساغر م شکست

عاقبت به خیر شد



عزت‌الله انتظامی

● همایون خرم را خیلی خوب می‌شناسم. در تمام این سال‌ها، آثارش را گوش دادم و احترام و اهمیت خاصی برای او قایلم اما در این شرایط نمی‌خواهم خاطراتی از او تعریف کنم و می‌خواهم حرف دیگری بزنم. می‌خواهم بگویم «خرم» عاقبت به خیر شد. برخلاف اکثر هنرمندان قدیمی، هنرمندانی که در روز و روزگار پیری هیچ‌کس حواسش به آنها نیست و خودشان هم حاضر نیستند که پیری و گذشت عمر را با مردمی که سال‌های سال با آثار آنها زندگی کردند قسمت کنند اما خرم در این سال‌های آخر، دوباره به صحنه بازگشته و دوباره میان مردم بود. مردمی که سال‌های سال با آثارش زندگی کرده بودند، دوباره هنرمندی را می‌دیدند که در میان آنهاست و هنرش را به آنها تقدیم می‌کند. خرم عاقبت به خیر شده؛ در روزهایی که می‌شنویم یک هنرمند، مثل منصوره حسینی، ۱۵ روز توی خانه‌اش می‌ماند تا کسی متوجه مرگش شود، در روزهایی که تلاش می‌کنیم تا یک خانه سالمندان برای هنرمندان سینما و تئاتر داشته باشیم و اگر به آن رسیدیم نوبت به هنرمندان موسیقی هم برسد، در روزهایی که وزیر ارشاد و وزیر بهداشت در بیمارستان رجایی وعده درمان رایگان هنرمندان را می‌دهند و بعد دیگر هیچ خبری نمی‌شود و هیچ اتفاقی نمی‌افتد، در روزهایی که آن قدر هنرمند تازه زیاد شده که دیگر کسی به یاد قدیمی‌ترها و آثار جاودانه‌شان نیست، و در روزهایی که سهم مهم ما هنرمندان، قطعاتی پرشده به نام هنرمندان در بهشت‌زهراست، همایون خرم عاقبت به خیر شد و سرنوشت دلبستان خوبی را برای او داشت. برای مردی که جاودانه‌های موسیقی ایران را ساخت و با لبخند این جهان را ترک کرد.

به رهی دیدم برگ خزان



پری زنگنه

● مطمئنم خبر درگذشت «همایون خرم» همه اهالی موسیقی را شوکه کرد؛ همانطور که من را شوکه کرد. از وقتی این خبر را شنیدم مدام آه‌ها «به رهی دیدم برگ خزان…» در ذهنم تکرار می‌شود هرچند که دیگر آثارش نیز ماندگار هستند. او هنرمندی بود که تاثیر زیادی در شهرت هنرمندان بزرگ داشت و ترانه‌های درخشانی سرود. او بسیار خوشرو و دوستانه‌اشتنی بود. خرم جزو اولین آهنگسازانی بود که در ساخت آهنگ‌ها، دستگاه‌های ایرانی را رعایت کرد و ملودی‌هایی ساخت که بر سر زبان‌ها افتاد. من این روزها در حال نگارش کتابی در مورد هنر با عنوان «پری آوازها» هستم و دوست داشتم در کنار آن برای بزرگانی که در کتاب از آنها یاد کرده‌ام، بزرگداشتی برگزار کنم اما دست تقدیر مانع از آن شد، پس باید قدر این افراد را بیشتر بدانیم چون جایگزینی ندارند. البته هیچ هنرمندی تکرار نمی‌شود اما در مورد خرم می‌توان با اطمینان گفت که دیگر تکرار نخواهد شد. درست است که می‌گویند مرگ حق است اما در این مورد، حق ناحقی درباره خرم است. خرم و دیگر بزرگان از میان ما می‌روند اما جای خالی آنها برای همیشه در موسیقی و جامعه‌ما باقی می‌ماند. به همین دلیل وقتی خبر درگذشت او را شنیدم بسیار غصه خوردم.

همه «بودش» را فریاد می‌کنند



محمد اصفهانی

● هر نفس تازه شود دنیا و ما/بی خبر از شن شدن لذر بقا/ پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتی است/ مصطفی فرمود دنیا ساعتی است… ضایعه فقدان بزرگ‌مرد موسیقی ایرانی استاد «همایون خرم» بر خانواده محترم و دوستانران ایشان تسلیت بادا بقای عمر و سلامتی همسر گرامی و فرزندان آن مرحوم؛ خصوصا دوست عزیز جناب آقای مهندس «رضا خرم» را از خداوند متعال خواهم. همایون خرم استادی چیره‌دست بود که در عرصه‌های اخلاقی و علمی؛ علاوه بر هنر منحصر به فردش به کمالی مثال‌زدنی رسیده بود. او انسانی بود پرازرنزی و مثبت و با روحیه که حضورش اطرافیان را بسون هیچ آداب و تربیتی به وجد معنوی می‌آورد. خدا را شکر گزارم که از محضرش برخوردارم کرد و چقدر سخت است یادآوری این حقیقت تلخ که دیگر جسم او در میان ما نیست اما همایون خرم به گفته مولانا از این پس «بقایی نسو» را در دنیای اندیشه و روان دوستدارنش رقم می‌زند. آثار جاودانه و یاد صفا و بزرگواری و آداب‌نایش و حالات حضورش؛ همه؛ «بودش» را فریاد می‌کنند او مسیری نو را آغاز کرده که با همان توفیق و صفای خدادادی در آن به سیر و حرکت مشغول است. به او درود می‌فرستم و برای روح لطیف و مهرناش از بارگاه رحمت الهی طلب‌وع و آرامش دارم هرچند که احساس می‌کنم او: «مشتب در لوح آسمان است و در لباسی دیگر؛ جانی جاودان یافته تا باز هم از غم‌های دوستدارنش بکاهد» یادش جاودان باد

مرد بزرگی را از دست دادیم



اکبر گلپایگانی (گلپا)

مرد بزرگی را از دست دادیم. آهنگسازی بی‌نظیر از میان‌مان رفت. همایون خرم، مرد خدا و مرد عشق و معرفت و مرد انسانیت بود. به قول «حسین تهرانی» استاد محترم که همیشه می‌گفتند: «اول باید آدم باشیم بعد هنرمند». امثال همایون خرم، فرهنگ شریف، حسن کسایی و استاد شهناز در بین جوان‌ها زیاد داریم، باید به آنها میدان بدهیم اما فرقی که الان با گذشته دارد این است که آن زمان هنرمندان و استادان با بخشش و گذشت و فتوت از کنار هم می‌گذشتند؛ اما الان بیشتر چوب لای چرخ هم می‌گذارند؛ این روحیه را باید همه تغییر دهند. باید بخشش‌مان بیشتر از این باشد. تولید کینه نکنیم؛ چون ما همه از یک طایفه هستیم. همه دوست و رفیقیم، باید کارمان را انجام دهیم و آنچه یاد گرفتیم چراغ شب باشد برای راهنمایی جوان‌ها. امیدوارم دیگران هم به راهی بروند که همایون خرم رفت و راه را برای جوان‌ها باز کنند تا آنها هم بتوانند خودشان را نشان دهند. خیلی مایل بودم که استاد همایون خرم در سفر اخیرم برای مراسم بزرگداشتی که برای من در شهر «بن»

«مهندس همایون خرم» آهنگساز و موسیقیدان ساعت ۲۳ پنجشنبه ۲۸دی درگذشت. خبر، خطی بود. مثل همیشه با یک پیامک، یک تماس تلفنی یا خبر کوتاه که لابه‌لای صفحات اینترنت پیدا می‌کنی. انگار پنجشنبه تلخ و سردی که صبح باخبر درگذشت محمد بیگلری‌پور آغاز شد، با خبر درگذشت «همایون خرم» به پایان رسید. شنیدن خبر درگذشت همایون خرم خیلی ساده و نابودیز نبود. مثل انداختن یک سنگ در ریاحی‌های ساکن، سنگ که می‌افتد موج‌ها به تلاطم می‌اندازش، دردش را روی آب نقش می‌اندازد.

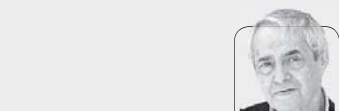
مثل جریان سیال نتهایی که از روی آرشه ویولن به گوش می‌رسد و بعد باز سکوت و فراموشی ما. همایون خرم ناباورانه رفت. اقتدر ناباورانه که بی‌آنکه متوجه ساعت باشیم تلفن خانه‌اش را می‌گیریم تا خبر دروغ باشد. همان تلفنی که همیشه با روی گشاده استاد پاسخ می‌داد و روی پیامگیر با صدای آرام استاد بود که می‌خواست برایش پیام بگذارد. پیامی که هیچ‌گاه پاسخش برایش نیست. ناباورانه‌تر برای تکذیب خبر شماره «بیمارستان دی» را گرفتیم و پاسخ بیمارستان تأییدی بر این خبر تلخ بود. بیمارستان ساعت قوت استاد را ساعت ۲۳ نیمه‌شب ثبت کرده است. خبرنگار که هستی، آدم‌های حوزه‌های کاری‌ات، گاهی مصاحبه‌ای و گاهی خبری و یادداشتی به تو می‌دهند، می‌شوند کسانت و نوشتن از درگذشت‌شان چقدر تلخ و سخت است به همان اندازه تلخ که می‌دانی دیگر نمی‌توانی به‌سرغ شماره‌شان در دفتر تلفنت بروی. یک ماه پیش بود که به بهانه سالروز درگذشت استاد «ابوالحسن صبا» به همراه او به خانه «صبا» سری زدیم و استاد از استادش گفت. حالا باید گوشی تلفن را برداری و از دیگران بخواهی درباره هنر همایون خرم بنویسند. بنویسند و تکرار و تکرار از «شوری که در سر داشت.» بنویسی و «رسوای زمانه»‌اش را لابه‌لای قند پارسی به ششی پیوند بزنی «که آوای نی را شنید». باید بنویسی و بشنوی که موسیقی یکی از استادان بی‌نظیرش را از دست داد. باید بنویسی جایگزین ندارد و بنویسی که استاد رفت مثل خیلی از استادان بزرگ موسیقی، مثل جواد معروفی، ابوالحسن صبا، کلنل وزیری و حسین قوامی، اما این جسم مادی آنها بود که از میان ما رفت و تا وقتی که موسیقی هست و خاطرها و ملودی‌هایی که ساختند هستند زندگی آنها جریان خواهد داشت.

میراث‌دار مکتب صبا

همایون خرم تنها آهنگساز و نوازنده ویولن نبود. آخرین یادگار مکتب موسیقی ابوالحسن صبا بود. در سال ۱۳۰۹

هنر

آلمان بر گزار شد حضور داشته باشند؛ اما متأسفانه ایشان درگیر کارهایشان بودند. آخرین شام را ما با فرزند عزیزشان «همیر» خان در منزل ما خوردیم. با وجود اینکه معمولا به هیچ کنسرتی نمی‌روم ولی در کنسرت اخیر استاد همایون خرم که در سالن «میلاد» برگزار شد، حضور یافتم و از ایشان تجلیل کردم و بعد از آن دیگر قسمت نشد بینم‌شان و چند شب پیش که از سفر آمدم مطلع شدم حالشان خوش نیست و در بیمارستان هستند. ما بیش از ۵۰ سال با هم دوست بودیم و اکثر آهنگ‌های ایشان را من در حالت رومانس خوانده بودم؛ بر موج غم نشسته‌م، در زورق شکسته منهای ناخدای عالم… . و آخرین آهنگی که خواندم آهنگ «ساقی» بود از اشان‌ای ساقی پیاله پر کن دریای روحم را در ناله پر کن، از رنگ و ربا بیچاره شدم ساقی کجایی؟ که شعر را هم آقای «رحیم معینی کرمانشاهی» سروده بودند. همایون خرم مرد عشق بود. هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق. موسیقی ما واقعا نیاز دارد به جوان‌های خلاق بداهنواز و هنرمند؛ تا باز هم مثل همایون خرم داشته باشیم. خرم هم مثل همه آدم‌ها بود، اما به دنبال معرفت و عشق و صمیمیت رفت و از کینه‌ها دوری جست. امیدوارم همه مثل او باشند. همایون خرم مثل اسمش زیبا بود. خیلی متأسفم که این هنرمند بزرگ را از دست دادیم و امیدوارم بعد از این به سایر هنرمندان و جوان‌ها توجه داشته باشیم.



احمد رضا احمدی

«همایون خرم» سال ۱۳۰۹ در پوشهر متولد شد. پدرش کرآمدن بانک ملی بود. در زمان حیاتش نزدیک به ۴۰۰قطعه از او در رادیو ضبط شد. یکی از بهترین بداهنوازان بود مثل جلیل شهناز، البته با این تفاوت که متکی به ردیف موسیقی ایرانی بود. او فارغ‌التحصیل مهندسی برق از هنرسرای عالی بود و از ۱۰سالگی موسیقی را در مکتب استاد «ابوالحسن صبا»آموخت. در ۱۴سالگی در رادیو به‌طور زنده تکنوازی کرد. آن زمان آنقدر قشش کوتاه بود که برای اینکه قشش به میکروفن برسد زیر پایش صندلی گذاشته بودند. او هارمونی را نزد «فردیون» فرزانه استاد هنرستان عالی موسیقی فرا گرفت. متأسفانه همه ملودی‌سازان بزرگ ایران فوت کردند؛ پرویز یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، اسدالله ملک، علی تجویدی و همایون خرم که آخرینشان بود. خدا عمر دهد به انوشیروان روحانی که تنها بازمانده این نسل است. خرم سال‌های سال با برنامه «گلها» همکاری داشت. بیشترین همکاری او با خوانندگی به نام «پروین نوری» بود که صدایی شبیه به صدای «عصمت قاپریور» (دلکش) داشت. اولین ترانه‌های خرم را «تورج نگهبان» سروده بود. او بعدها با بیژن ترقی، کریم فکور، بهادر یگانه و معینی کرمانشاهی همکاری



عکس: مهدی حسینی، شرق

خالق «رسوای زمانه» و «محمد بیگلری‌پور» هم رفتند

پنج‌شنبه سیاه موسیقی

فرزانه ابراهیم‌زاده

در پوشهر به دنیا آمد. مادرش یکی از علاقه‌مندان به موسیقی ایرانی بوده و به دلیل همین علاقه نام «همایون» که از دستگاه‌های بسیار قوی و اصلی موسیقی ایرانی است

«محمد بیگلری‌پور» هم درگذشت

خواب ابدی خالق «ایران»

شرق: محمد بیگلری‌پور، آهنگساز اولین سرود رسمی «ایران»، پنجشنبه شب در بیمارستان ایرانمهر شش و زحمات زیادی را برای این ارکستر متحمل شد بود. بیگلری‌پور نوازنده حرفه‌ای و ارکستری بود که جانشین ندارد و در زمانی که موسیقی جدی هنوز تکلیفش روشن نبود این استاد، موسیقی جدی را در تلویزین دنبال می‌کرد. بیگلری‌پور از نظر اخلاقی هم خراب‌کنند. بیگلری‌پور در این سال‌ها مدرس دانشگاه تهران و رهبر ارکستر سمفونیک صدوسیمما بود و بیش از هزار و ۲۴۰ قطعه موسیقی ساخت. شاهین فرهت، آهنگساز، بعد از مرگ او گفت: «محمد صدا و سیمما آغاز می‌شود.

موسیقی او شبیه هیچ‌کس نبود

داشت که از آن غافله هم فقط معینی زنده مانده است. از سال ۱۳۳۳ که رادیو اهمیت پیدا کرد تا سال ۱۳۵۰ اوج فعالیت خرم بود که متأسفانه پس از آن موسیقی در رادیو به ابنتال رفت. با امین‌الله رشیدی و فاخته‌ای هم همکاری داشت. یکی از زیباترین ترانه‌های خرم ترانه‌ای است که با صدای «سیمین غاتم» ضبط شده و شعر آن را هم «شیرازی» سروده است. من هم سالیان سال با او رفقت داشتم. یکبار فیلمی از زندگی او ساختم. در دو جلسه ۷-۸ ساعته از او فیلم گرفتم. بعدها هم پیشنهاد دادم تا «گرگین‌زاده» بعضی از قطعاتش را برای انتشار آماده کند. حاصل مجموعه‌اش شد کتاب «گل‌های جاویدان» جلد هشتم شامل آهنگ‌های تار و سه تار و با بازنویسی و ویرایش محمدرضا گرگین‌زاده و علا‌یجادی که انتشارات سروش آن را منتشر کرد. در آن کتاب قطعات موج آتش، غوغای سنترگان، طاقتم ده، ای نامی‌شد، کوی بلاکشان، مینای شکسته، سکوت شکسته، توی‌ای پری کجایی، بازچه و رسوای زمانه گردآوری شده‌اند. کتاب‌های او هم‌اکنون با عناوین «توی‌ای مهر» و «مقالات و سخنرانی‌هایی در دانشگاه یوسی‌ای ای آمریکا درباره موسیقی ایران» در دسترس علاقه‌مندان است. او سالیان دراز از اعضای شورای عالی موسیقی رادیو بود. ویژگی مهم همایون خرم استقلالی بود که در نواختن سازش داشت. موسیقی او شبیه به هیچ‌کس نبود. جالب است بنابند بیشترین قطعات را هم در دستگاه همایون نواخت. نوازندگی‌اش بسیار با متنت بود و حالا دروغا از نبودنش.

آموخت. هنر استاد صبا و استعداد همایون خرم آنچنان سریع باعث پیشرفت او در موسیقی شد که در ۱۴سالگی به‌عنوان نوازنده به جمع ارکستر موسیقی رادیو پیوست و این آغازی بود بر همکاری همایون خرم با ارکستر رادیو و برنامه‌های موسیقی به‌خصوص برنامه موسیقی گل‌ها. او طی چند سال از نوازنده، سولیس‌ت و آهنگساز به رهبری ارکستر روسید. او آثار ماندگاری از جمله «توی‌ای پری کجایی»، «غوغای سنترگان»، «رسوای زمانه»، «ساغر م شکست»، «شک من هویدا شد»… را ساخت و با بهترین خوانندگان و موسیقیدان‌های آن دوران از جمله جواد معروفی، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، جهانگیر ملک و امیرناصر افتتاح همکاری کرد.

استاد خرم هم‌زمان با تحصیل و مشغول بودن در عرصه موسیقی تحصیلاتش را در رشته فنی ادامه داد و مهندسی برق خود را از دانشکده صنعتی «علم و صنعت» گرفت. او در زمینه موسیقی نیز توانست مدرک درجه یک هنری معادل دکتری هنر را دریافت کند.

بیشتر علاقه‌مندان و دوستان‌ران موسیقی، هنر خرم را آهنگسازی و رهبری ارکستر می‌دانند در حالی که او نوازنده چیره‌دست ویولن و پیانو بود و به مدت ۱۲سال تمام دستگاه‌ها و مقام‌های موسیقی ایرانی را با ویولنش با پیانو جواد معروفی همراهی کرده بود، با آنکه به موسیقی غربی هم تسلط داشت به اصالت موسیقی ایرانی اهمیت می‌داد و تلاش مستمر کسانی چون او بود که موسیقی ایرانی را با ملودی‌های به روز شده به جلو برد و اجازه داد تا در جای نمانند. استاد خرم در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب بیشتر به ساخت قطعات بی‌کلام و رهبری ارکستر مشغول شد و تنها با دو خواننده یعنی «محمد اصفهانی» آلبوم «تنها ماند» و «رسوای زمانه» را با «علیرضا قربانی» منتشر کرد که هر دو این آلبوم‌ها با استقبال علاقه‌مندان موسیقی ایرانی روبه‌رو شد و تا مدت‌ها جزو پرفروش‌ترین آثار به‌شمار می‌آمد. همایون خرم تابستان سال جاری با همراهی علیرضا قربانی کنسرتی را در سالن میلاد برگزار کرد. او در دوران بیماری نیز دست از کار پژوهشی، آموزشی و آهنگسازی برنداشت و تا چند هفته پیش که بیماری سرطان او را به بستر انداخت علاوه بر تدریس جزو شورایعالی خانه موسیقی بود. اما سرطان سرانجام او را از موسیقی ایرانی گرفت و آخرین حلقه مکتب صبا که نقطه اتصال به مکتب میرزا عبدالله پیوند می‌زد. اما با رفتن خرم جریان سیال موسیقی ایران در آواهایی که از او ماند جاری می‌ماند. مراسم تشییع استاد خرم روز یکشنبه اول بهمن ساعت ۵ صبح از مقابل تالار وحدت برگزار می‌شود.

غوغای ستارگان

نسل تکرار نشدنی

شاگردانی پرورش داده‌اند که احتمالاً سعی می‌کنند آموزه‌های استادان خود را حفظ کنند اما فکر نمی‌کنم تا ۲۰ یا ۳۰سال آینده افرادی مانند خرم با هپستان او در موسیقی ما به وجود بیایند. در واقع این روزها کمی دور از انتظار است که فکر کنیم افرادی مانند خرم بار دیگر وارد موسیقی ما می‌شوند چون آن نسل تحت یک نظم و سیستم ویژه تربیت شدند که متأسفانه الان این شرایط بر موسیقی ما حکم نیست. موسیقی امروز ما به سمت هرز می‌رود و دیگر آن نسل تکرار نمی‌شود. برای همین از دست دادن افرادی مانند خرم یک ضایعه به‌شمار می‌رود. در نسلی که خرم پرورش یافت، آهنگساز، شاعر و خواننده با یکدیگر رابطه نزدیکی داشتند و هر سه مانند روح در یک بدن محسوب می‌شدند. آنها تنها با هم یکدست بودند که تفکیک شعر، آهنگ و خوانندگی از یکدیگر امکان‌پذیر نبود و شرایط باعث می‌شد، آهنگ‌ها ماندگار شود. به همین دلیل آهنگی مانند «توی‌ای پری کجایی» از دل و روح آهنگساز بیرون آمد. الان آهنگساز، آهنگ خود را می‌سازد و بعد خواننده روی آن آهنگ می‌خواند که نتایج‌اش این می‌شود که قسمت زیر و بم آهنگ مشکل پیدایی‌کند.



کامبیز روشن روان

«همایون خرم» از نسلی می‌آمد که در زمینه کاری خود خوب تربیت شده بود. او با داشتن اساتید خوب و خلاقیتی که به‌باکر می‌برد استعداد خود را پرورش دهد تا بتواند ملودی‌های زیبایی بسازد. در نهایت هم موسیقی‌دانی شد که هر آنچه ساخت، در خاطره هنری مردم ماند، فراموش نشد و با داشتن آثاری جاودان یک آهنگساز درخشان باقی ماند. آثاری که خرم ساخت به‌طور فوق‌العادای با مردم ارتباط برقرار کرد و بیشتر آنها خاطره خوبی از این آهنگ‌ها دارند. نه تنها خرم بلکه ما هم از دست دادن هنرمند یا موسیقی‌دان نیست بلکه ما یک معلم اخلاق را از دست دادیم که راه‌شای نسل بعد از خود بوده است. این نسل بسیاری از آموزه‌های نسل قبلی را همراه خود داشت که با درگذشت هریک از آنها این آموزه‌ها نیز از بین می‌رود. البته خیلی از آنها

در مکتب صبا

شاگرد ممتاز «صبا» و یادگار «تجویدی»



محمدرضا درویشی

● درگذشت استاد همایون خرم واقعا ضایع‌ای بزرگ برای موسیقی معاصر در ایران است. ایشان آن‌قدر شاد، سرحال و «خرم» بودند که هیچ انتظاری از درگذشت ناپهنگام‌شان نمی‌رفت. همین چند ماه پیش بود که روی صحنه رفتند و کنسرتی برپا کردند. استاد خرم از شاگردان ممتاز ابوالحسن صبا و یادگار تجویدی بزرگ بودند شاید آخرین کسی بودند که نواختن موسیقی ایرانی را با ویولن – که سازی غربی است – به یادگار گذاشتند. امروز با درگذشت ایشان، من کسی را با ساز غربی ویولن، اجرا کند. البته ایشان نوعی از همایون خرم در آن قد و قواره بتواند موسیقی ایرانی را با ساز غربی ویولن، اجرا کند. البته ایشان نوعی از موسیقی ایرانی را با ویولن اجرا می‌کرد که ممکن است به مذاق سنت‌گرایان موسیقی ایرانی خوش نیاید، اما موسیقی ایران طیف‌های مختلفی دارد که از جدی‌ترین سنت‌گرایان شروع می‌شود تا کسانی که تنها به‌راهی از موسیقی سنتنی ایران می‌برند. همه اینها به موسیقی سنتی ایران یا به اصطلاح به موسیقی دستگاهی ایران می‌پردازند. استاد همایون خرم در میانه این طیف قرار داشت و کارش در حوزه‌ای که به آن تعلق داشت، بسیار محکم، جدی و هنرمندانه بود. روحش شاد و جایش در موسیقی امروز ایران، همواره خالی.

آخرین حلقه زنجیر «مکتب صبا»



علیرضا قربانی

● استاد «همایون خرم» یکی از استادان و معلمان شخصی من بود که از حضورشان بهره‌های زیادی بردم و به شاگردی ایشان و حضور در کنارشان افتخار می‌کنم. درباره شخصیت و هنر استاد همایون خرم می‌شود از دو بعد صحبت کرد. یکی از بعد شخصیتی، شناختی و معرفتی و دیگر، از بعد جایگاه موسیقی که در میان موسیقیدانان ایرانی داشتند. به عنوان یکی از شاگردان استاد که سال‌ها با ایشان معاشرت داشتم؛ از بین کسانی که در این جایگاه به لحاظ موسیقی قرار گرفتند می‌گویم جزو معدود کسانی بودند که این قدر به جهت معرفت و شناخت و مسالت و معاواری و معنوی درون بزرگی داشتند به لحاظ رفتاری و اخلاقی جدای از آن تبلیغاتی که بعد از مرگ افراد گفته می‌شود؛ روحیه درویشی، خضوع و تواضعی که داشتند قابل تأمل بود. نوع برخورد و روابط عاطفی‌شان با دوستان و علاقه‌مندان‌شان در عرصه‌های مختلف چه در کنسرت‌ها و چه در مکان‌های دیگر، ریزان، خاص و عام بود. این بعد شخصیتی ایشان برایم خیلی مهم بود، اما از بعد دیگر که جنبه موسیقایی ایشان است، ایشان بدون‌شک آخرین حلقه زنجیر ارتباطی موسیقی ایران به مکتب و نوع موسیقی استاد ابوالحسن صبا و جزو آخرین بازماندگان آن مکتب بودند. ممکن است کسانی از اهالی موسیقی منسل ایشان امروز باشند اما در اینکه در آن مکتب گام درآشته باشند و کار موسیقی کرده باشند، ایشان آخرین حلقه این زنجیر بعد از فوت استاد تجویدی بودند. استاد خرم همیشه در همه جا –چه رسمی و چه غیررسمی– با احترام زیادی نسبت به استاد خودشان ابوالحسن صبا یاد می‌کردند. موسیقیدان کتکچاو و جست‌وجوگری بودند. خیلی دوست داشتند مسایل و نکاتی را که در موسیقی بود به صورت مستدل و با دلایل علمی بیان کنند. در این چند سال اخیر فعالیت‌های مختلفی روی نوشتن چند کتاب داشتند؛ کتاب‌هایی درباره نغمه‌های خودشان و آهنگ‌هایی که ساخته بودند و کارهایی برای شناخت موسیقی ایرانی. آثاری که ساختند بدون‌شک جزو برترین و خاص‌ترین و ماندگارترین آثار موسیقی است. از نکات مهمی که آثار ایشان داشت همه‌گیر بودن علاقه‌مندان و طرفدارانشان بود. از کسانی که جوان هستند و رابطه تنگاتنگی با موسیقی ایرانی ندارند در میان علاقه‌مندان به آثار ایشان هستند تا کسانی که مسن هستند و از گذشته کارهای ایشان را گوش می‌دانند؛ از فراگیری موسیقی ایشان می‌توانم بگویم که در خارج از ایران گروه‌های موسیقی که کار جاز و راک انجام می‌دهند هم قطعات ایشان را تنظیم کرده‌اند و آن را به شیوه خودشان اجرا می‌کنند. این همه‌گیر بودن کارهای موسیقایی ایشان را نشان می‌دهد. به جرات می‌توانم بگویم که تمام نسل‌های ما از گذشته تا امروز با آهنگ‌های ایشان زندگی کردند و عاشق شدند و به عشقشان رسیدند یا شکست خوردند. آدم‌هایی و با این ملودی‌ها زندگی کردند. همین «رسوای زمانه» که من در کنار ایشان کار کردم جزو پرفروش‌ترین و ماندگارترین کارهای موسیقی ایرانی است. بازتاب خوبی هم داشت و استاد هم از کار راضی بود. اگر چه هفته پیش هم مشغول صحبت با ایشان بودیم تا با توافق ایشان کار تازمای را تولید کنیم، اما روزگار است و دست اجل. قسمت این بود. اما این هم بخشی از زندگی است. همه ما یک‌روز به دنیا می‌آییم و یک روز از دنیا می‌رویم. آن چه می‌ماند نغمه‌ها و آثار جاوداتی است که خلق کرده‌ام. یادمان باشد. بعید می‌دانم که روزگار و طبیعت بار دیگر کسانی چون همایون خرم و هنرمندانی چون او را به خود ببیند. اعتقاد دارم که قدر این استادان را باید در زمان حیاتشان دانست.